

آینه

انتخاب

رازهای «جام زهر»

● **سردار حسین علایی:** آقای الله‌کرم شما مدام به آقای هاشمی بد و بیراه می‌گویید اما من می‌گویم آقای هاشمی اگر یک کار بزرگ برای امام کرده باشد همین قطع‌نامه است. آقای هاشمی می‌خواست مسئولیت پذیرش قطع‌نامه را به عهده بگیرد و امام قطع‌نامه را می‌پذیرد به همین دلیل من به این کار بزرگ آقای هاشمی افتخار می‌کنم و باید مجسمه‌اش را طلا گرفت. همان زمانی که آقای هاشمی اعلام کرد حالا که قرار است جنگ را تا پیروزی ادامه دهیم ضرورت دارد پیروزی را تعریف کنیم. حرف درستی بود. هاشمی بعد از شکست عملیات رمضان و والفجرها فهمید که دیگر سخت است ما در جبهه‌های جنگ به موقعیتی برسیم و گفت «جنگ تا یک پیروزی» که حرفی منطقی بود. آقای الله‌کرم به دلیل اختلاف سیاسی به آقای هاشمی فحش می‌دهد درحالی‌که امام، آقای هاشمی را به‌عنوان فرمانده جنگ انتخاب کرد. این توهین‌ها به آقای هاشمی توهین غیرمستقیم به امام است.

حسین الله‌کرم: می‌خواهید بگویید جام زهر، جام عسل بوده بگویید. ما امروز داریم مدیریت‌ناداشتن را نقد می‌کنیم. امام هم یکی از بی‌مدیریتی‌ها را در رأس گذاشته، عیب ندارد. ما سه برابر عراق جمعیت داشتیم اما ضعف مدیریتی بود که باعث شد تا نیروهای ما در جنگ از نیروهای جنگی عراق کمتر باشند.

کیمیان

کجایی هستبد آقای مدیر؟

محمد ایمانی: چرا باید وزیر محترم اطلاعات از رسانه‌های افشاگر ماجرا تشریک بلیغ کنند، اما ۱۰ روز بعد همین روشنگری علیه فساد را جاروجنجال رسانه‌ای بنامند و نگوهند کنند؟ چرا وزیر دادگستری هم می‌گوید که دست روشنگران این عرصه را می‌بوسد و هم پیگیر دادگاه‌های کردن رسانه‌های منتقد می‌شود؟ چرا دولتمردان، هم از ماجربایی که لااقل غافل شده‌اند عذرخواهی می‌کنند و هم منتقدان روشنگر را به خیانت متهم می‌سازند؟ چرا وزیر هزارمیلیاردی به خود اجازه می‌دهد بگوید «این فیش‌ها همه جای دنیا مرسوم است و نیازی به سروسدا ندارد؟» چرا یکی از مسئولان دولتی می‌خوانند سرونه ماجرا را با ۷-۸ یا ۱۳ نفر هم بیاورند؟ و چرا اگر رئیس‌جمهور محترم در کرمانشاه به‌درستی می‌گوید «باید تخلف چند صد نفر را (در ماجرای فیش‌های حقوقی نجومی) به جمعیت بزرگ مدیران فعال و پاک سرزمین‌مان گسترش دهیم». همین چند صد نفر (۳۰۰ تا ۹۹۹ نفر) را برای مواخذه و مجازات و اخراج معرفی نمی‌کنند؟ یا چرا ظلم و اجحاف چندده هزارمدیر پاک خدمتگزار را به اخراج و مجازات چند صد خائن به امانت و لکه تنک دولت و ملت و نظام (حتی اگر از نزدیکان باشد) ترجیح می‌دهند؟ دل دوستان ما کجا به پیش کیست؟ با خدا و مردم؟ با مدیران پاکدست؟ یا خدای ناکرده با اشراف بدمست که هرچند کم‌اند اما مصیبت‌اند؟

ایران

فیش، راهی برای فراموشی فساد!

محمود میرلوحی: امروز بودجه شهرداری تهران ۱۷ هزار میلیارد تومان یعنی معادل نصف بودجه عمرانی دولت است. این در حالی است که دولت با همه عرض و طول تنها ۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی دارد و باید پاسخ‌گوی پنج میلیون نفر حقوق‌بگیر نیز باشد. بنابراین واقعیات اقتصاد ایران شاهد آن هستیم که دولت با وجود این‌ا امکانات پاسخ‌گوی اتفاقاتی است که بسیاری از آنها در حیطه نهادهای زیرمجموعه‌اش رخ نداده‌اند. چنان‌که بسیاری از اتفاقات در بانک‌های به‌ظاهر خصوصی رخ می‌دهد که مدیران‌شان توسط بخش خصولتی تعیین می‌شوند. اما در نهایت این دولت است که باید پاسخ‌گوی مشکلات باشد. در این میان رسانه‌های شجاع ازجمله ابزار لازمی است که در تمام دنیا برای مبارزه با فساد اقتصادی به کار می‌رود. اما امروز خوشبختانه شرایط به وجود آمده است که باید قدران آن باشیم. حمایت دولت از رسانه‌های مستقل و شجاع و درعین‌حال حمایتی که دولت یازدهم از حفظ و توسعه امکان استفاده مردم از رسانه‌های مجازی انجام داده است، دو عاملی هستند که سبب شده خوشبختانه امروز این رسانه‌ها در خدمت طرح موضوع مهمی چون فیش‌های حقوقی و پرداخت‌های نامتعارف شود.

فرایع انتخابیه

فیش‌های حقوقی بر مفاسد دولت قبل سایه نمی‌اندازد

عبدالکریم حسین‌زاده: رئیس‌جمهوری به‌درستی در صحبت‌هایش اشاره کرده است که این نوع پرداختی‌های نامتعارف در فیش‌های حقوقی که امروزه مورد مناقشه بسیاری از فرصت‌طلبان قرار گرفته تا به‌واسطه آن دولت تدبیر و امید را در آستانه انتخابات تخریب کنند، مختص به این دوره نیست و مربوط به سال‌های گذشته است. زمانی که رهبری، فرمان هشت‌ماده‌ای را مبنی بر مبارزه با مفاسد اقتصادی صادر کردند، متأسفانه برخی از افراد نسبت به دستورات ایشان بی‌توجه بودند و گاهی در دولت گذشته مفاسد اقتصادی و مالی بزرگ‌تری هم اتفاق افتاده بود که برخی گروه‌ها نسبت به آنها سکوت کرده بودند، بنابراین، این رفتار دوانگه جای سؤال دارد.

سیاست

نگاه محمدرضا تاجیک به چشم‌انداز پیش‌روی ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان:

اصلاح‌طلبان یک عذرخواهی به تاریخ خود بدهکارند



عکاس: ژانوف رستمی، شرق

مرجان توحیدی

برده‌های کره‌ای دفتر این‌بار باز هستند و آفتاب داغ عصر تابستان از لایه‌های آنها فضای اتاق را روشن کرده است. در اتاق چشمم به کتابی می‌افتد که روی میز مقابل محمدرضا تاجیک قرار دارد و برگه‌ای را هم میان آن گذاشته است و به یاد ندارم که علامت‌گذاری بود یا اینکه مطالبی را هم در آن یادداشت کرده بود. عنوان کتاب «یک روز دیگر از زندگی» اثر «یشارد کاپوشینسکی»، خبرنگار و عکاس و نویسنده لهستانی، است که به روایت مترجم کتاب، بهرنگ رجبی در لحظه وقوع ۲۷ انقلاب در قرن ۲۱ در کشورهای محل این رویدادها حضور داشته و از طرف خبرگزاری رسمی کشور لهستان گزارش تهیه کرده است. به گفته بهرنگ رجبی، «کتاب یک روز دیگر از زندگی» از لحظه پیروزی چپ‌ها در برنگال و اعلام آزادی تمامی مستعمرات این کشور شروع می‌شود. در یک لحظه ناگهان کشور آنگولا که تا صدسال قبل هیچ فرد بومی‌ای در مناسباتش حضور نداشته با خلا قدرت مواجه می‌شود و ناگهان صدها گروه از میان مردم برآمده و مدعی قدرت و دولت و حکومت می‌شوند و البته فصل مشترک همه آنها کشتن اروپایی‌هاست. در تمام طول گفت‌وگو همان‌طور که پای خود را روی پایش انداخته بود، از شکایت تلویحی‌اش سخن می‌گفت که در جای‌جای این مصاحبه به آن پرداخته است. گفت‌وگو که تمام می‌شود، با لبخند کم‌رنگی که بر لبش نقش می‌بندد، رو به من می‌کند و می‌گوید که می‌دانم بعد از این مصاحبه، نقدهای مختلفی را، هم از جریان‌رقیب و هم از جریان اصلاح‌طلبی می‌شنوم، اما اشکالی ندارد! حرف‌ها را باید گفت. موقع خداحافظی چشمم به تابلو خطی می‌خورد که بالای میز کارش به دیوار نصب کرده، بیتی از کلمه کاشانی البته با اندکی تغییر از اصل آن، جو محرم شسدی، حافظ خوش‌باش! که محرم به یک نقطه مجرم شود! با تاجیک درباره آنچه در جریان انتخابات هفتم اسفند گذشت و نیز وقایع بعد از آن گفت‌وگو کردیم که حاصل آن در پی می‌آید.

برویم به سمتی که برای آینده خودمان یک آلترناتیو دیگری داشته باشیم؟ آیا با تاکتیک و استراتژی دیگری در انتخابات آتی بازی کنیم؟ ازاین‌دست سؤالات، بسیار در ذهن اصلاح‌طلبان شکل گرفته و شرایطی بسیار برزخی ایجاد شده است. تصمیم و تدبیر دراین‌باره نیازمند این است که بالاخره ما گذشته را چراغ راه آینده قرار دهیم؛ یعنی از آنچه بر ما گذشت، درس بگیریم.

یک به نظر می‌رسد، نوعی عهدشکنی در این اجماع اتفاق افتاد؛ اما این عهدشکنی از سوی اصلاح‌طلبان ائتلاف نبود. آیا فکر می‌کنید آنچه رخ داد، خطای اصلاح‌طلبان است که نتوانستند یک قدم جلوتر را پیش‌بینی کنند؟ اصلا این وضعیت، پیش‌بینی‌شدنی بود یا نه؟ ما می‌دانستیم برخی به‌خاطر منافع فعلی خود در ائتلاف هستند و احتمال جدایی آنها وجود دارد. مقصر اصلی این ماجرا و اتفاقاتی که افتاد، چه کسی است؟

اجازه بدهید تقصیر را توزیع کنیم و شخص خاصی را مقصر ندانیم. به‌هرحال جریان اصلاح‌طلبی در جاهایی دچار اشتباهات در تحلیل، تخمین و تدبیر شده است، اکنون صلاح نمی‌دانم درباره این مسئله به‌صورت مشخص صحبت کنم؛ اما مطلبی که شما می‌فرمایید، درست است. در دو لایه اشتباه در تخمین و تحلیل رخ داده است؛ یک لایه که کلیت این اجماع را شکل می‌داد؛ یعنی گروه‌های چهارگانه‌ای که این اجماع را شکل دادند. در اینکه این گروه‌های چهارگانه در شرایط گوناگون با چه برگی بازی می‌کنند، به‌نوعی دچار اشتباه تحلیلی و تخمینی شدیم. دوم، درباره افرادی که ذیل نام اصلاح‌طلبی تعریف می‌شدند، در آن سطح هم تحلیل و تخمین دقیقی نداشتیم، در این سطح ریزش کمتر و چسبندگی بیشتری داشتیم؛ ما به‌هرحال ریزش داشتیم، آمار و فضایی که در مجلس گذشت، این موضوع را ثابت می‌کند که بالاخره ما در آن سطح هم ریزش داشتیم و این طبیعی است. ریشه این ماجراها بازی‌م‌گرد به اینکه چه اتفاقی در فرایند بستن فهرست افتاد؟ در واردشن افراد به فهرست چه فضایی ایجاد شد؟ در استان‌های ما چه چالش‌هایی میان اصلاح‌طلبان شکل گرفت و چگونه فهرست‌ها بسته شد؟ در دست‌هایی از پشت صحنه تأثیر گذاشتند بر اینکه برخی از افراد سببی و نسبی را وارد فهرست کنند؛ چه اقداماتی در این زمینه انجام شد. اینها خودش روایت دیگری است که در زمان دیگری درباره آن صحبت خواهم کرد؛ اما به‌عنوان یازبگ سیاسی هوشیار، باید تشخیص می‌دادیم و این را به‌عنوان یک گزینه منظور می‌کردیم. برای این رویداد باید از قبل سناریویی تهیه می‌کردیم که اگر چنین اتفاقی افتاد، چه کاری انجام دهیم. نه اینکه دچار حیرت و حیرانی شویم، نه اینکه با چشم‌های گرد و دهان باز نظاره‌گر منفع‌ل تاتاری باشیم که خودمان سناریوی آن را نوشته‌اند و نقش یعنی کاراکترهای بالای صحنه بازی شدند و نقش دیگری بازی می‌کنند، ما هم یک تماشاگر منفع‌ل

شدیم، ما نباید به این شکل درمی‌آمیدیم. **لا در زمان انتخابات هیأت‌رئسه در گفت‌وگویی که با دکتر عارف داشتیم، ایشان گفتند ما همه تلاش خود را کردیم و هر کاری که فکر می‌کردیم یک برای ایجاد تعامل درست است تا بتوانیم به یک**

برویم به سمتی که برای آینده خودمان یک آلترناتیو دیگری داشته باشیم؟ آیا با تاکتیک و استراتژی دیگری در انتخابات آتی بازی کنیم؟ ازاین‌دست سؤالات، بسیار در ذهن اصلاح‌طلبان شکل گرفته و شرایطی بسیار برزخی ایجاد شده است. تصمیم و تدبیر دراین‌باره نیازمند این است که بالاخره ما گذشته را چراغ راه آینده قرار دهیم؛ یعنی از آنچه بر ما گذشت، درس بگیریم.

جمع‌بندی برسیم، انجام دادیم؛ اما این طرف مقابل است که عهدشکنی می‌کند و به تعامل جواب نمی‌دهد. آیا فکر می‌کنید بازی و سناریوی دیگری می‌توانست شکل بگیرد که اگر تعامل جواب نداد ما بتوانیم غیر از آن، باز هم پیروز میدان شویم؟

اولا، من تردید دارم که گزینه اجماع، تنها گزینه ممکن و مطلوبی بود که ما در آن مقطع زمانی داشتیم. ثانیا، اجماع چیزی آدابی دارد، اصول و قواعدی دارد؛ باید بالاخره براساس این اصول و آداب، اجماع کرد و همکاران در هر شرایطی نسبت به همدیگر اطمینان داشته باشند و در هر شرایطی پایبند به این اصول و چارچوب باشند. در این شرایط اقتضا می‌کند ما یک نوع چسبندگی با شما داشته باشیم و براساس این چسبندگی می‌توانیم در یک فضایی پیروز شویم. پس اجماع باید به این شکل باشد. وقتی در ۹۲ تا هفت اسفند اجماعی می‌شود، قانون، اخلاق و قاعده این اجماع باید بعد از پیروزی هم جاری و ساری باشد و طرفین اجماع کماکان به آن قواعد پایبند باشند، نه اینکه از فردای پیروزی، روایت اجماع چیزی دیگری باشد. گروه پیروزی درون این اجماع بوده و روی دوش بقیه سوار شده است تا توانسته بالاخره بر تخت قدرت بنشیند؛ فردا فراموش کند که چگونه به اینجا رسیده و چه اتفاقی افتاده است.

لا منظور شما کدام طیف اجماع است؟

طیفی که به نام خانوادۀ امید و اعتدال با اصلاح‌طلبی، نوشته یا نانوشته وارد یک اجماع شدند. چه در سال ۹۲ که اصلاح‌طلبان در فضایی قرار گرفتند و از یک جریان و فرد خاص دفاع کردند و آن جریان توانست رأی بیاورد؛ چه در انتخابات مجلس که این‌موضوع (فرایند اجماع) نوشته و قاعده‌مند باشد، یعنی بالاخره گروه‌های مختلف با هم جمع شدند، شورای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را تشکیل دادند؛ با هم فهرست ارائه دادند و حرکت‌های خود را ساماندهی کردند؛ اما همه این تحرکات تا مرحله پیروزی بود، تا مرحله‌ای بود که ما موج را ایجاد کردیم؛ اما آیا آنجایی که تقسیم قدرت بود، هم‌کان که در فوایل آن اجماع پایبند ماندند؟ این بحثی است که در حال‌حاضر در جامعه جاری است که ذهن بسیاری از اصلاح‌طلبان را هم به خود مشغول کرده. اگر اجماع یک امر استراتژیک است، بالاخره زمان‌های مختلف را درمی‌نوردد و قواعد آن ثابت است، نه اینکه قبل از پیروزی براساس یک قاعده باشد و بعد از پیروزی قاعده تغییر کند و عده‌ای بروند با کارت دیگری بازی کنند، برخی از دوستان رفتند با کارت دیگری بازی کردند، با کارت اجماع بازی نکردند.

لا طرف مقابل هم با کارت اجماع بازی نکرد؟ طیف مقابل به‌طور مشخص در جریان کمسیون‌ها اعمال نفوذ کرد.

عقل ابزاری آنها این موضوع را حکم می‌کرده است، هرچند از نظر من، از این رهگذر می‌توان آنها را نقد کرد؛ زیرا به‌هرحال خودشان عقل ابزاری را نقد می‌کنند؛ اما براساس عقل ابزاری، بقای خود را در این دیدند که بالاخره در این مرحله قسمتی از این موج باشند.

لا فکر نمی‌کنید بازی‌خراب‌کن، آنها بودند؟

ببینید! تکلیف رقیب که مشخص است. از رقیب که نمی‌توان توقع داشت در فضای بازی ما بازی کند یا بازی ما را به هم نزند، بلکه به حکم طبیعت خود این کار را می‌کند و من هم معترض نیستم، زیرا اسم او را رقیب گذاشته‌ایم، او بازی خود را انجام می‌دهد؛ اما ما فریاد خود را کجا ببریم از دست خودی؟! از «رقیب درون» و «دگر درون» به کجا پناه ببریم؟ کسی که در ترسیم قواعد یک بازی با ما شریک و سهیم بوده؛ اما در یک زمان خاص ترک بازی می‌کند و بازی دیگری می‌کند. آن را چه‌کار کنیم. رقیب که بازی خود را دارد و منطق آن مشخص است، وگرنه رقیب نیست! وگرنه با ما «این همان» می‌شود. رقیب، کجا از ما جدا می‌شود؟ جایی که بازی او از ما جدا می‌شود. جایی که منطق و هدف بازی او جداست. او بازی خود را انجام می‌دهد. یک مرحله احتیاج دارد به فضایی که یک نوع نزدیکی و فاصله‌زدایی داشته باشد، وارد بازی می‌شود که این هم قسمتی از بازی اوست. (بعد از آن بازی خود را می‌کند) این، قسمتی از عقل بازیگری اوست.

لا اگر قرار بود هرکسی بازی خود را انجام دهد، چرا اصلا باید به سمت اجماع می‌رفتیم؟

برای اینکه (ما) با آنها اجماع نکرديم. افرادی که از آن طرف آمدند و از سوی جریان اعتدال و دولت وارد ماجرا شدند. به‌هرحال، در فضایی که ایجاد شد، جبهه پایداری که نبوده است!

لا به‌هرحال، بخشی از جریان اصولگرای معتدل بودند که ما تا قبل از این ارتباطی با آنها نداشتیم و ممکن بود در بخشی از موارد مشترک باشیم و در بسیاری موارد اختلاف نظر داریم.

این سهم‌خواهی گروهی از این اجماع چهارلایه بوده است که اتفاق افتاد. اینها مباحث جداگانه‌ای است. فضایی بود که از هم می‌پذیرفتیم. فضایی بود که احساس می‌کردیم یک هم‌پوشانی گفتمانی با یکدیگر داریم. احساس می‌کردیم یک جغرافیای مشترک گفتمانی داریم. اگرچه بعضی جاها از هم جدا می‌شویم؛ مثلا اصلاح‌طلبان با اعتدالیون یا با کارگزاران، ولی یک جغرافیای وسیع گفتمانی داریم. در خیلی جاها مثنی، آیین سیاسی و اهداف ما بر هم انطباق دارد. در دو عمل چیز دیگری حادث شد.

لا درواقع شما به جریان اعتدال و حکمی دولت است؟ شاید بهتر باشد رمزگشایی کنیم!

صحبت‌های من این‌قدر مشخص است که همه متوجه شوند!ا من یک نقد دارم که نه‌فقط به اینها، بلکه به خود دوستان اصلاح‌طلب هم وارد است. اصلا از خودم شروع می‌کنم! (من نوعی) باید تشخیص می‌دادم «بازی‌های درون» بازی کدام هستند. باید تشخیص داد برخی از دوستان درون این فضای مشترک، در فضای متفاوت (خود) ممکن است چه بازی‌ای را انجام دهند. نه اینکه دچار نوعی دلبستگی نسبت به اجماع شویم که چشم‌گوش‌بستگی را برای ما به همراه بیاورد، یعنی مشغول این اجماع شدند و چیز دیگری را نمی‌دیدند و آن‌قدر نسبت به اجماع دل چسبندگی می‌توانیم در نمی‌خواستند بپذیرند ممکن است از درون همین اجماع ضربه بخورند. خب! این مسئله‌ای است که به نظر من در شرایط کنونی فضای خاصی را ایجاد کرده است. یک فضای روانی و احساسی خاصی را ایجاد کرده و بسیاری از اصلاح‌طلبان با یک سؤال بزرگ مواجه شدند که از این به بعد چه باید کرد و چه نباید کرد. این «باید‌ها» و «نباید‌ها» هر پاسخی که بگیرد به صورت مستقیم در دو انتخابات آتی تأثیر خواهد گذاشت.

لا با توجه به اتفاقاتی که افتاده اصلاح‌طلبان چه وضعیتی قرار دارند. آیا به تحلیل و درک درستی رسیده‌اند که بر این مبنا بتوانند حرکات آینده را شکل دهند یا نه؛ در واقع هنوز هم در آن حالت شوک هستند؟

همان‌طور که گفتیم اصلاح‌طلبان یک طیف هستند. برخی در این وضعیت احساس ناامی نمی‌کنند؛ بنابراین در این جریان برخی از حالا تکلیفشان مشخص است؛ یعنی به‌طور قاطع می‌دانند که در انتخابات آتی می‌توانند با کدام برگه بازی کنند. برخی هم در این طیف از یک طرف دیگر تکلیف خودشان را مشخص کرده‌اند، یعنی می‌دانند، با کاردی که قبلا بازی کردند، نمی‌توانند بازی کنند؛ اما جریان بسیار وسیعی میان این دو طیف وجود دارد که بر این مبنا قاعده‌مند نیستند. شرایط موجود را تغییر دهد. بتواند عقلایی تصمیم بگیرد که الان چه باید کرد، چه نباید کرد و با کدامین کارت باید بازی کرد. عقلای اصلاح‌طلبی باید بازی رسانند که این طیف وسیع، بهترین تصمیم را بگیرد. چون بسیار بر سرنوشت آتی ما و نیز بر نتیجه دو انتخابات پیش‌رو تأثیرگذار است؛ بنابراین این دو مورد را باید در نظر داشته باشیم. بدون اینکه دچار خودبزرگ‌بینی شویم، ببینیم که واقعیت امروز ما چیست؟ تا چه حد دوباره می‌توانیم آن مقبه مردمی را که در هفت اسفند به صحنه آمدند امیدوار کنیم. چگونه می‌توانیم با آلترناتیوهای متفاوت بازی کنیم. کدام گزینه و آلترناتیو عقلانی‌ترین، مطلوب و ممکن‌ترین است. اینجاست که عقلای قوم باید به کمک بیابند تا نگذاریم بعضی جاها احساس بر عقل غلبه کند و بسیاری از دوستان دچار تصمیمات و تدبیرهای کج شوند. ما باید در این شرایط خیلی جدی وارد صحنه شویم و فضای روانی، روحی و احساسی را مدیریت کنیم.

ادامه در صفحه ۷

خبر

وزیر اطلاعات:

با هرگونه فساد در دولت برخورد می‌شود



● **اپرنا:** حجت‌الاسلام سیدمحمود علوی، وزیر اطلاعات دولت جمهوری اسلامی ایران گفت: «با تأکید رئیس‌جمهوری و بر اساس مأموریت محوله با هرگونه فساد در دولت به‌سرعت برخورد و اقدام می‌شود».

او روز گذشته در دیدار با حجت‌الاسلام «احمد علم‌الهدی» نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی در مشهد افزود: «در حوزه مفاسد کلان هر جا دولت خلاقی دیده، بلافاصله اقدام شده و اثر لازم را هم در پی داشته است».

علوی ادامه داد: «بر اساس تأکیدات مقام معظم رهبری در مبارزه با مفاسد، مسئولیت مبارزه با مفاسد کلان اقتصادی را بر عهده داریم و مباحث جزئی‌تر بر سر عهده دستگاه‌های دیگر همانند دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور و دستگاه‌های مشابه است».

وزیر اطلاعات گفت: «در این حوزه تاکنون هزاران هکتار از زمین‌های متعلق به بیت‌المال که مورد تعدی و تعرض قرار گرفته بود، شناسایی و با همکاری دستگاه قضایی از تصرف خارج و به بیت‌المال بازگردانده شده است».

او افزود: «در حوزه اختلاس‌هایی که زمینه‌سازی شده بود و سرقت‌های کلان نیز سربازان گمنام امام زمان (عج) اقدامات بسیار مؤثری انجام داده‌اند».

علوی ادامه داد: «تخلف فقط خلاف شرع و قانون نیست بلکه گاه خلاف عرف است؛ چنانکه مسواری از حقوق‌های نامتعارف شاید از نظر قانونی مشکلی نداشت اما خلاف عرف است و باید با آنها نیز برخورد شود».

او گفت: «در این میان باید برخورد به‌گونه‌ای صورت گیرد که اذهان عموم جامعه نسبت به مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران تخریب نشود».

وزیر اطلاعات افزود: «این وزارتخانه در هر عرصه‌ای که وظیفه ذاتی آن بوده و ورود کرده، به بهترین نحو اقدام کرده و عملکرد درخشانی داشته است».

او ادامه داد: «نیروهای این مجموعه مجاهدانه و با اخلاص تمام در خدمت به نظام و ملت تلاش می‌کنند و با وجود پیچیدگی‌های عملکردی در این حوزه و مسائل مربوطه، خدمات مؤثر آنان بر همه مشهود است».

علوی گفت: «در این راستا تا امروز تمامی حرکات و فعالیت‌های دستنظام و تروریستی با حساسیت و جدیت سربازان گمنام امام زمان (عج) رصد شده و در سایه الطاف خداوندی و رشادتهای صورت‌گرفته تمامی گروه‌ها، جریان‌ها و افراد با انگیزه‌های تروریستی، شناسایی و با آنان برخورد شده است». او در ادامه به عملکرد وزارت اطلاعات در انتخابات مجالس شورای اسلامی و خبرگان رهبری نیز اشاره و بیان کرد: «در این حوزه بسیار حرفه‌ای، بی‌طرفانه و با رعایت مصالح نظام و حقوق مردم عمل شد».

وزیر اطلاعات افزود: «در این دوره تلاش شد تخریب، تقابل و تعارض افراد و نامزدها و گروه‌های سیاسی به حداقل ممکن برسد و نتیجه این تلاش نیز حاکم‌دمن نظام سیاسی به جای التهابات سیاسی ناشی از این تخریب‌ها بود».

او گفت: «تلاش‌ها برای عمل بر اساس عقلانیت بود و در این راستا هم امور پیگیری شد به‌ویژه در حوزه بررسی صلاحیت‌ها که برای ما همانند شمشیر دولبه بود و در هر دو سو خناتلس هم فردی و هم جمعی قرار داشت؛ بنابراین سعی کردیم هر دوی این حقوق حفاظت شود». علوی افزود: «این عملکرد کاملا خالصانه و برای رضای خدا با رعایت مصالح نظام بود از این رو هیچ مسودی از گلیبه در بحث عملکرد وزارت اطلاعات در این حوزه نداشتیم و همچنین در حوزه امنیت انتخابات نیز به بهترین نحو عمل شد». سیداحمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد هم در این دیدار گفت: «سربازان گمنام وزارت اطلاعات در مقابله با جبهه گسترده‌ای که در مقابل نظام قرار گرفته از قدرت و ایستادگی بی‌نظیری برخوردار بوده و هستند». او افزود: این قدرت هم ناشی از آن است که نیروهای این مجموعه برای رضای خدا گام بر می‌دارند و وقتی کار برای خدا باشد، قدرت خداوند در حمایت و پیشرفت کار قرار می‌گیرد».

او همچنین به عملکرد خوب وزارت اطلاعات در موضوع انتخابات اشاره و بیان کرد: «افرادی که در عرصه انتخابات نامشایست، فحاشی و تخریب علیه دیگران می‌کنند به‌طور قطع خود بیش از هر کسی از این اقدامات آسیب می‌بینند». امام جمعه مشهد همچنین از تلاش‌های وزارت اطلاعات در حفظ امنیت، سلامت جامعه و حفاظت از نظام قدرانی دارد.